

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی فلسفه و کلام اسلامی

اسماء الحسنی در اصول کافی با تکیه بر آراء ملاصدرا و ملاصالح مازندرانی

استاد راهنما:
دکتر سیدمهدی امامی جمعه

استاد مشاور:
دکتر مهدی دهباشی

پژوهشگر:
سید معین الدین خلیفه سلطانی

خردادماه ۱۳۹۰

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این
پایان نامه، متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه الهیات - فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی الهیات گرایش فلسفه و کلام

اسلامی آقای سیدمعین الدین خلیفه سلطانی تحت عنوان

اسماء الحسنی در اصول کافی با تکیه بر آراء ملاصدرا و ملاصالح مازندرانی

در تاریخ ۹۰/۳/۷ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد/استادان راهنمای پایان نامه دکتر سیدمهدی امامی جمعه با مرتبه علمی دانشیار

با مرتبه علمی استاد امضا

۲- استاد/استادان مشاور پایان نامه دکتر مهدی دهباشی

با مرتبه علمی استادیار امضا

۳- استاد/استادان داور داخل گروه دکتر محمدبیدهندی

با مرتبه علمی استادیار امضا

۴- استاد/استادان داور خارج از گروه دکتر محمدمشکات

امضای مدیر گروه

قد و :

لازم است از امتدادان اقدربان آید در دبان و نایب آید در امان . ا و ن

ان پایان را مان و ده ا و وردان مام . از نایب حلاج آید نید و و نایب

حلاج آید و یی و ا اخبار . ایترون ره ا ما پاسزاری را وارم . ن

از ررم ییدمدی خ . سلطان خا ز مات او اشان و وردان و مام .

چکیده

هدف این رساله، تبیین حقیقت اسماء الله الحسنی با نگرشی فلسفی، عرفانی از منظر آیات قرآن کریم و احادیث چهارده معصوم صلوات الله تعالی علیهم اجمعین بوده است.

نخست، مبادی و مبانی بحث اسماء الحسنی تحت عنوان تعریف اسماء حسنی و صفات علیای حق تبارک و تعالی در قالب مباحث مراتب کتبی، لفظی، معنایی و حقیقی اسماء و صفات، تمایز ذات مقدس حق تعالی با مرتبه مفهومی اسماء و صفات و اتحاد ذات مقدس حق تعالی با مرتبه حقیقی و وجودی اسماء و صفات و اتحاد وجودی و مصداقی و اختلاف مفهومی صفات و سپس نظریه اثبات بلا تشبیه در مورد اسماء و صفات، مطرح گردیده است.

در ادامه هویت غیبیه حق تبارک و تعالی و اسماء الحسنای او به ترتیب، احدیت، واحدیت، الوهیت، رحمانیت و اسماء سبعه و اسماء متفرع بر آن توضیح داده شده است، سپس انقسامات اسماء، توقیفی بودن اسماء حق تعالی و مسئله عرفانی (اعرافوا الله بالله)، مطرح گردیده است.

در ادامه، اسم اعظم حق تبارک و تعالی و مراتب آن یعنی (حقیقت غیبیه، حقیقت عینیّه) حقیقت محمدیه صلی الله علیه و آله و سلم و حقیقت لفظیه اسم اعظم بیان شده است، سپس به بیان اجزاء و ارکان اسم اعظم پرداخته شده است.

در پایان به بیان وجوه اشتراک و اختلاف تفسیر ملاصدرا با ملاصالح مازندرانی از مبحث اسماء الحسنی در شرحشان بر اصول کافی، پرداخته شده است.

کلید واژه ها: اسماء الحسنی، اسم اعظم، حقیقت محمدیه (صلی الله علیه و آله و سلم)

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول : حقیقت اسماء الحسنای حق تبارک و تعالی	
۱-۱-۱- حقیقت اسماء حسنی و صفات علیای حق تبارک و تعالی	۱
۱-۱-۱-۱- مراتب کتبی، لفظی، معنایی و حقیقی اسماء حسنی	۲
۱-۱-۲- تمایز ذات مقدس حق تعالی با مرتبه مفهومی اسماء و صفات و اتحاد ذات مقدس حق تعالی با مرتبه حقیقی و وجودی اسماء و صفات	۳
۱-۱-۳- اتحاد وجودی و مصداقی و اختلاف مفهومی صفات حق تبارک و تعالی	۵
۱-۱-۴- نظریه اثبات بلا تشبیه در مورد صفات حق تبارک و تعالی	۷
فصل دوم : تبیین معنا و حقیقت اسماء الحسنای حق تبارک و تعالی	
۱-۲- هویت غیبیه	۱۱
۲-۲- تجلی حق تعالی به اسماء حسنی و صفات علیا.....	۱۳
۲-۳- احدیت	۱۴
۲-۳-۱- اولین اسمی که حق تعالی برای خویش اتخاذ فرمود اسم (العلی العظیم) است	۱۴
۲-۳-۲- حق تعالی، اول و آخر و ظاهر و باطن است	۱۶
۲-۳-۳-۱- حق تعالی، نور مطلق و صاحب بهاء است	۱۷
۲-۳-۳-۲- اسماء مفاتیح غیب (اسماء مستأثره)	۱۷
۲-۳-۴- صمدیت حق تعالی	۱۸
۲-۴- واحدیت	۱۹
۲-۴-۱- حق تعالی، هستی را از چیزی نیافرید و به تنهایی و بدون الگو و نمونه قبلی عالم را خلق فرمود	۱۹
۲-۴-۲- یگانگی حق تعالی در الهیت عالم	۲۰
۲-۵- الوهیت	۲۱
۲-۶- رحمانیت و رحیمیت حق تعالی	۲۲
۲-۷- اسماء سبعة	۲۳
۲-۷-۱- حیات حق تعالی	۲۳
۲-۷-۲- علم حق تعالی	۲۳
۲-۷-۲-۱- بداء	۲۴

عنوان

صفحه

۲۶.....	۲-۷-۳- سمع و بصر حق تعالی.....
۲۷.....	۲-۷-۴- قدرت حق تعالی.....
۲۹.....	۲-۷-۵- اراده حق تعالی.....
۲۹.....	۲-۷-۵-۱- اراده حق تعالی از صفات فعل اوست.....
۲۹.....	۲-۷-۵-۲- نحوه صدق صفت اراده برحق تعالی.....
۳۰.....	۲-۷-۵-۳- تفاوت اراده حق تعالی با اراده بشری.....
۳۱.....	۲-۷-۵-۴- تفاوت مفهوم صفت علم با اراده و مشیت الهی.....
۳۲.....	۲-۷-۵-۵- مشیت مطلقه حق تعالی.....
۳۲.....	۲-۷-۵-۶- بیان معنای (لاجبر ولاتفویض بل أمرین الأمرین).....
۳۴.....	۲-۷-۶- کلام حق تعالی.....
۳۸.....	۲-۸- انقسام اسماء حق تعالی به جمالیه و جلالیه.....
۴۰.....	۲-۹- صفات ذات و صفات فعل.....
۴۱.....	۲-۹-۱- نحوه صدق صفات فعلی برحق تعالی.....
۴۲.....	۲-۹-۲- نحوه انتزاع افعال حق تعالی.....
۴۲.....	۲-۹-۳- بحثی پیرامون معنای حقیقی برخی از اوصاف فعل حق تعالی.....
۴۲.....	۲-۹-۳-۱- حق تعالی عادل مطلق است.....
	۲-۹-۳-۲- حق تعالی مؤمنین پاک و پارسایان حق طلب را هدایت می کند و ظالمین و فاسقین معاند، خود را دچار اضلال و گمراهی می کنند.....
۴۸.....	۲-۹-۳-۳- صفات استهزاء، مکر و خدعه که حق تعالی درقرآن شریف به خود نسبت داده به معنای جزا دادن به مسخره کنندگان و مکرکنندگان و نیرنگ زندگان است.....
۴۹.....	۲-۹-۳-۴- حق تعالی، فیّاض علی الإطلاق و صاحب جود و کرامت و بخشش بی انتهاست.....
۴۹.....	۲-۱۰-۱- نقل کلام حکما درباره تقسیم اسماء و صفات حق تعالی.....
۵۰.....	۲-۱۰-۱- حق تعالی از ازل واجد جمیع صفات کمالیه است.....
۵۱.....	۲-۱۱- اسماء حق تعالی درقرآن کریم.....
۵۴.....	۲-۱۱-۱- تفسیر سوره مبارکه توحید و اسماء الحسنای حق تعالی درآن.....
۵۵.....	۲-۱۲- اسماء حق تعالی در احادیث.....
۵۶.....	۲-۱۳- توقیفی بودن اسماء حق تعالی.....
۵۷.....	۲-۱۴- لوازم اسماء الهی.....

عنوان

صفحه

- ۲-۱۵- موجودات مظاهر اسماء الهی اند..... ۵۷
- ۲-۱۶- انسان بما هو انسان، ظرفیت پذیرش مظهریت همه ی اسماء الهی را دارد..... ۵۸
- ۲-۱۷- معرفت الهی (مسئله عرفانی اعرافوا الله بالله) ۵۹
- ۲-۱۷-۱- برهان صدیقین بر اثبات وجود حق تعالی..... ۶۱
- ۲-۱۷-۲- والاترین مرتبه معرفت به حق تعالی ۶۱

فصل سوم - اسم اعظم حق تبارک و تعالی

- ۳-۱- اسم اعظم حق تعالی ۶۳
- ۳-۱-۱- حقیقت غیبیه اسم اعظم حق تعالی ۶۴
- ۳-۱-۲- حقیقت عینیه اسم اعظم حق تعالی (حقیقت محمدیه صلی الله علیه و آله و سلم)..... ۶۵
- ۳-۱-۳- اسم اعظم حق تعالی در مقام لفظ..... ۷۳
- ۳-۱-۳-۱- اجزاء چهارگانه اسم اعظم حق تعالی ۷۵
- ۳-۱-۳-۲- ارکان چهارگانه هریک از اجزاء سه گانه اسماء الحسنای حق تعالی ۷۶

فصل چهارم : وجوه اشتراک و اختلاف تفسیر ملاصدرا و ملاصالح مازندرانی از مبحث اسماء

الحسنی در کافی

- ۴-۱- تعریف اسماء..... ۷۷
- ۴-۲- تمایز ذات با اسماء و صفات ۷۸
- ۴-۳- اتحاد مصداقی و اختلاف مفهومی ذات و صفات ۷۸
- ۴-۴- اسم اعظم..... ۷۸
- ۴-۵- انشقاق اسم اعظم ۷۹
- ۴-۵-۱- اجزاء چهارگانه اسم اعظم..... ۸۰
- ۴-۵-۲- ارکان چهارگانه هریک از اجزاء سه گانه اسم اعظم..... ۸۰
- ۴-۶- وجوه اشتراک و اختلاف ملاصالح و ملاصدرا در اصول مبانی فلسفی شان ۸۱
- نتیجه گیری ۸۴
- پیوست..... ۸۵
- منابع و مأخذ..... ۸۶

مقدمه

الحمد لله تبارک و تعالی الذي وفقني لان اكتب هذه الرسالة حول اسماء الله الحسنی و صفاته العلیا و صلی الله علی سید الانبیاء و المرسلین و افضلهم و اكرمهم عند الله تعالی، سیدنا و مولانا ابی القاسم المصطفی محمد و علی سید الاوصیاء امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و علی سیدتنا امّ ائمة الهدی فاطمة الزهرا و علی سائر الاوصیاء سادتنا و موالینا، الائمة المعصومین الأطیبین الأطهرین الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی، سیما علی آخرهم سیدنا و مولانا حجة بن الحسن العسکری صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین، الذين هم حجج الله تعالی علی جمیع بریته و علی جمیع الانبیاء و المرسلین و الذين بهدایتهم هدینا إلى الصراط المستقیم و لعنة الله تعالی علی أعدائهم اجمعین.

الف) تبیین مسئله پژوهشی و اهمیت آن

این رساله، تحت عنوان اسماء الله الحسنی در اصول کافی با تکیه بر آراء ملاصدرا و ملا صالح مازندرانی است. در این رساله، به تبیین حقیقت اسماء الحسنی، با نگرشی فلسفی، عرفانی از منظر آیات قرآن کریم و احادیث چهارده معصوم صلوات الله تعالی علیهم اجمعین پرداخته شده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: (انّی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی ألا و انّهما لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض ماداموا ان تمسکتم بهمالن تضلّوا ابدأ) (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۹).

در باره اهمیت پژوهشی موضوع این رساله یعنی اسماء الحسنی باید گفت: علم به اسمای حق تبارک و تعالی از جمله ظریف ترین و در عین حال شریف ترین علوم به شمار می آید زیرا به واسطه همین علم است که آدم علیه السلام ممتاز گشته و برتری او بر ملائکه و سایر موجودات به منصفه ظهور و بروز رسیده است. این معنا از برخی آیات قرآن کریم مستفاد می شود. خداوند سبحان در قرآن مجید فرموده است: (وعلّم آدم الاسماء کلّها ثمّ عرضهم علی الملائکة فقال انبثونی باسماء هؤلاء ان کنتم صادقین) (بقره، ۳۱).

در باره کتاب شریف کافی هم باید گفت: این کتاب شامل مجموعه احادیث معتبر شیعه در اصول و فروع دین است که از رسول اکرم و ائمه معصومین صلوات الله تعالی علیهم اجمعین، روایت گردیده است. این کتاب توسط یکی از برجسته ترین روات و فقهای شیعه، جناب ثقة الاسلام و المحدثین محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله تعالی علیه در عصر غیبت صغری، گردآوری شده است.

از ویژگی های مهم کتاب شریف کافی می توان به این موارد اشاره کرد ۱- هم عصر بودن مؤلف آن با چهارسفر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و دسترسی داشتن وی به آنها است. خصوص که سفرای آن حضرت رضوان الله

علیهم اجمعین در شهر بغداد بودند و کلینی رحمه الله علیه نیز در آن شهر بوده و سال وفات وی مصادف با سال وفات آخرین سفیر امام عصر ارواحنا له الفداء علی بن محمد سمري رضوان الله علیه بوده است.

۲- مؤلف در این کتاب مقید به ذکر کل سند تا امام معصوم علیه السلام است و این خود ارزش و اعتبار خاصی را به روایات کتاب می دهد فلذا احادیث معتبر و موثق را در آن گردآوری کرده است

۳- این کتاب شامل تمام علوم و معارف اسلامی است به عبارت دیگر شامل اکثر مباحث عقیدتی و فقهی است فلذا کتابی جامع و بیانگر اکثر مسائل دینی است. روایات کتاب کافی شامل بیش از ۱۶ هزار روایت است که این تعداد روایت از تمام روایات صحاح سته، بیشتر است

(مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی «موسسه خدمات کامپیوتری نور»، CD جامع احادیث شیعه www.noorsoft.org).

این رساله مشتمل بر چهار فصل است، در فصل اول، مبادی و مبانی بحث اسماء تحت عنوان تعریف اسماء حسنا و صفات علیای حق تبارک و تعالی، در قالب مباحث (مراتب کتبی، لفظی، معنایی و حقیقی اسماء و صفات)، (تمایز ذات مقدس حق تعالی با مرتبه مفهومی اسماء و صفات و اتحاد ذات مقدس حق تعالی با مرتبه حقیقی و وجودی اسماء و صفات) و (اتحاد وجودی و مصداقی و اختلاف مفهومی صفات) و در پایان نظریه اثبات بلا تشبیه در مورد صفات حق تبارک و تعالی، مطرح گردیده است.

در فصل دوم تحت عنوان تبیین معنا و حقیقت اسماء الحسنی، هویت غیبیه حق تبارک و تعالی و اسماء الحسنای او به ترتیب احدیت، واحدیت الوهیت، رحمانیت و اسماء ائمه سبعه و اسماء متفرع بر آن توضیح داده شده است و در ادامه، انقسامات اسماء، توقیفی بودن اسماء حق تعالی و مسئله عرفانی (اعرفوا الله بالله) مطرح گردیده است. در فصل سوم، اسم اعظم حق تبارک و تعالی و مراتب آن یعنی (حقیقت غیبیه، حقیقت عینییه) حقیقت محمدیه صلی الله علیه وآله و سلم و حقیقت لفظیه) اسم اعظم بیان شده است، سپس به بیان اجزاء و ارکان اسم اعظم پرداخته شده است.

در فصل چهارم، به تفسیر ملاصالح مازندرانی از بحث اسماء در شرح او بر کافی اشاره شده است، لازم به ذکر است که ملاصالح مازندرانی، فقیهی اصولی است و غالب آثار و تالیفات وی چنانکه در پیوست آمده است فقهی و اصولی است و تنها اثر فلسفی، کلامی او کتاب شرح اصول کافی است، که در آن با روش فلسفی، کلامی که متأثر از حکمت مشاء اسلامی و کلام شیعی است، کوشیده است تا با احتیاط و اجتناب از افراط و تفریط، احادیث کتاب شریف کافی را تفسیر کند لذا در این فصل به اهم وجوه اشتراک و اختلاف تفسیر ملاصالح مازندرانی با ملاصدرا از مباحث اسماء پرداخته شده است.

ب- اهداف

- ۱- تعریف اسماء الحسنی
- ۲- تبیین معنا و حقیقت اسماء الحسنای حق تبارک و تعالی
- ۳- تبیین حقیقت اسم اعظم حق تبارک و تعالی و مراتب و اجزاء و ارکان آن
- ۴- تبیین وجوه اشتراک و اختلاف تفسیری ملاصدرا و ملاصالح مازندرانی از مبحث اسماء الحسنی

ج- فرضیات و پرسشها

- ۱- چه تعریفی از اسماء الحسنی ارائه می‌دهید؟
- ۲- حقیقت اسماء الحسنی به چه معناست؟
- ۳- حقیقت اسم اعظم چیست و چه مراتبی و چه اجزاء و ارکانی دارد؟
- ۴- چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین تفسیر ملاصدرا و ملاصالح مازندرانی از مبحث اسماء الحسنی وجود دارد؟

د) پیشینه:

احادیث شریف کافی، در طول هزار سال از زمان تالیف آن تاکنون مورد توجه بزرگان علمای شیعه بوده و در آثار خویش به این احادیث استناد نموده و درصدد ارائه تفسیری عالمانه از آن بوده‌اند، شیخ آقا بزرگ طهرانی در کتاب الذریعة الی تصانیف الشیعه، ۲۱ شرح و ۲۲ حاشیه را بر دو بخش اصول و فروع کتاب شریف کافی نامبرده است (ج ۱۳، ص ۹۵-۱۰۰)، از جمله این شرح‌ها، شرح ملاصدرا و ملاصالح مازندرانی از احادیث اصول کافی در مبحث اسماء است که در این رساله، مورد بررسی قرار گرفته است. روش به کار رفته در این رساله، اسنادی - تحلیل محتوی است و غالباً در آن به کتب و منابع اصلی استناد شده است.

امید است که ان شاء الله تعالی مورد توجه و عنایت حضرت ولی عصر صلوات الله وسلامه علیه قرار گیرد.

فصل اول

تعریف معنای حقیقی اسماء الحسنای حق تبارک و تعالی

۱-۱- تعریف معنای حقیقی اسماء حسنی و صفات علیای حق تبارک و تعالی:

از مولی امام علی بن موسی الرضا صلوات الله و سلامه علیه سؤال شد اسم چیست؟ ایشان فرمودند: (صفة لموصوف) (کافی، ج ۱، ص ۱۱۳) یعنی اسم صفتی است برای موصوف یعنی هر گاه صفتی به لحاظ موصوفی منظور شود، اسم تلقی می گردد.

در تفسیر این حدیث شریف به تعبیر حکما می توان گفت: ذات احدیت به اعتبار تعینی خاص و یا صفتی مشخص و یا تجلی خاص از تجلیات ذاتی و یا افعالی خود بنام اسمی از اسماء معین و مشخص نامیده می شود مثلاً (الرّحمن) عبارت از ذاتی است که با رحمت منبسط تجلی کرده باشد و (الرّحیم) عبارت از ذاتی است که با رحمتی که بسط کمال است تجلی کند و (المنتقم) ذاتی است که با انتقام تعین یافته باشد. اسماء الحسنی طبق احادیث شریف به منزله حجابهای نوری برای ذات احدیت اند.

لازم به ذکر است که حکما نفس وجود را که متعین به هیچ تعینی نیست بلکه به نحو لا تعین ملحوظ می گردد (مسمی) گویند. وجود متعین (اسم) و نفس تعین (صفت) است، مقصود از (لاتعین) عدم تعین وصفی است و گرنه حضرت حق تعالی بر حسب وجود و هویت عین تشخیص و اطلاق و متعین بالذات می باشد (دهباشی، ۱۳۷۹).

تعینات (نفس معانی و محمولات عقلی) در صورتی که تنها لحاظ شوند یعنی بدون لحاظ موصوف در نظر گرفته شوند، آن را صفت گویند و هرگاه از جهت ظهور ذات در آنها و ارتباط آنها با ذات ملاحظه گردند، آن را اسم می‌نامند، چنانکه حدیث شریف مذکور از مولی حضرت امام رضا صلوات الله علیه بر همین معنا دلالت دارد. برای بیان تعریف حقیقی اسماء الحسنی، مباحث مراتب کتبی، لفظی، معنایی و حقیقی اسماء و نسبت ذات با اسماء و صفات و اسماء و صفات با یکدیگر در قالب مباحث تمایز ذات با مرتبه مفهومی اسماء و صفات و اتحاد ذات با مرتبه حقیقی و وجودی اسماء و صفات و اتحاد وجودی و مصداقی و اختلاف مفهومی صفات با یکدیگر مطرح شده است و اشاره به این دارد که با عقل و تفکر می‌توان به مرتبه مفهومی اسماء و صفات معرفت پیدا کرد لکن با عقل و تفکر نمی‌توان به مرتبه حقیقی و کنه وجودی اسماء و صفات معرفت حاصل نمود، در پایان نظریه اثبات بلا تشبیه در مورد اسماء و صفات مطرح شده است.

۱-۱-۱- مراتب کتبی، لفظی، معنایی و حقیقی اسماء حسنی:

اسم الهی مراتبی دارد. ۱- مرتبه کتبی، ۲- مرتبه لفظی، ۳- مرتبه معنایی ۴- مرتبه حقیقی. مرتبه کتبی بر مرتبه لفظی، و مرتبه لفظی بر مرتبه معنایی و مرتبه معنایی بر وجود حقیقی دلالت می‌کند. با این توضیح مطالب ذیل روشن می‌شود:

۱- اسماء لفظی، اسم اسم اند زیرا به ترتیب بر لفظ (مرتبه لفظی)، معنا (مرتبه ذهنی) و مسمی (وجود حقیقی) که ذات احدیت است دلالت می‌کنند (دهباشی، ۱۳۷۹).

از آن لحاظ که اسماء مکتوب و ملفوظ الهی دلالت بر معنا و مسمی می‌کنند و وجه شیء، ظهور آن است به این اعتبار، در شریعت اسلام وارد شده است که بدون طهارت (وضو) مس اسماء مکتوب الهی حرام است (لا یمسّه إلاّ المطّهرون) (واقع، ۷۹) (همان).

۲- مقصود از اسماء در آیات شریفه (سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى) (اعلی، ۱) و (تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ) (الرحمن، ۷۸) و آیات مشابه دیگر اصوات و الفاظ نیستند، بلکه همه دلالت بر حقیقت وجودی اسماء حسنی می‌کنند (همان).

حقیقت خالص و صرف وجود (ذات احدیت) که محیط بر عقل و ادراک بشری است، هرگز وارد ذهن نمی‌شود و لذا کنه صفات حق تعالی به وسیله عقل و تفکر، درک نمی‌شود. لذا مولی حضرت امام موسی بن جعفر صلوات الله و سلامه علیه فرمودند: (إِنَّ اللَّهَ أَعْلَى وَأَجَلُّ وَأَعْظَمُ مِنْ أَنْ يُبْلَغَ كُنْهَ صِفَتِهِ) (کافی، ج ۱، ص ۱۰۲) و در دعاء آمده (كَلَّمَ الْأَلْسَانَ عَنْ تَفْسِيرِ صِفَتِكَ وَ انْحَسَرَتِ الْعُقُولُ عَنْ كُنْهٍ مَعْرِفَتِكَ وَ مِنْ تَفَكُّرٍ فِي صِفَاتِهِ

رجع طرفه إليه حسیراً و عقله مبهوتاً و تفکره متحیراً أسیراً) (زبان ها از تفسیر صفات تو، در مانده و عقل ها از شناخت عمق صفات، نومیدند، هر کسی که بخواهد درباره عمق صفات حق تعالی، ببیند، دیده اش زبون و خسته و عقل و تفکرش بهت زده و حیران و اسیر، به سوی خودش باز می گردد).

۱-۲-۱- تمایز ذات مقدس حق تعالی با مرتبه مفهومی اسماء و صفات و اتحاد ذات مقدس حق

تعالی با مرتبه حقیقی و وجودی اسماء و صفات:

مولی حضرت امام صادق صلوات الله و سلامه علیه می فرماید: (إسم الله غیره و کلّ شیء وقع علیه إسم شیء فهو مخلوق ما خلا الله، فأما ما عبرته الألسن أو عملت الأیدی فهو مخلوق و الله غایة من غایاته و المغیة غیر الغایة و الغایة موصوفة و کلّ موصوف مصنوع و صانع الأشياء غیر موصوف بحدّ مسمی، لم یتکون فیعرف کینونیه بصنع غیره و لم یتناه إلى غایة إلا کانت غیره. لا یزلّ من فهم هذا الحکم أبداً و هو التّوحد الخالص فارعوه و صدّقوه و تفهّموه بإذن الله) (کافی، ج ۱، ص ۱۱۳) (اسم حق تعالی غیر از اوست و هر چه که نام شیء بر او گفته شود - جز خداوند سبحان - مخلوق است، ولی آنچه را که زبان تعبیر کند و یا بدست نوشته شود، آن مخلوق است، و «الله» غایتی است از غایات آن و صاحب غایت غیر از غایت است زیرا غایت توصیف می شود و هر چه که توصیف شود، آفریده شده است، در حالیکه آفریننده اشیاء، بهیچ حد نامیده شده ای توصیف نشود، پدید نیامده است تا پدید آمدنش بواسطه آفریدن غیر او شناخته شود و در شناسایی او بهیچ غایتی نمی رسند جز آنکه او غیر آنست، هر کسی که این حکم را فهمید. هرگز نمی لغزد و این است توحید خالص پس آن را رعایت کنید و تصدیق کنید و به خواست خداوند متعال بفهمید). و در پایان این حدیث شریف می فرماید: (والله یسمی باسمائه و هو غیر اسمائه و الاسماء غیره).

توجه این حدیث شریف این است که ذات مقدس حق تعالی واجب بالذات و قائم بالذات و وجود صرف و مشخص بالذات و تشخص محض است و معانی اسماء مکتوب و ملفوظ، مخلوق قوه وهم و عقل اند و ناظر بر مفاهیم کلی و معانی وصفی و انتزاعی اند، بدین لحاظ ذات مقدس حق تعالی، غیر از اسماء و صفات اوست. لذاست که مولی امام باقر العلوم صلوات الله و سلامه علیه فرمود: (کلّما میّزتموه بأوهامکم فی أدقّ معانیه مخلوق مصنوع مثلکم مردود إلیکم) (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۳).

در حدیث شریفی که از اصول کافی نقل شد، امام علیه السلام برای اثبات اینکه ذات مقدس حق تعالی غیر از مفاهیم اسماء و صفات است دلیل عقلانی آورده است و دلیل این است: (هر موصوف به صفتی زاید مصنوع و

آفریده است) و توضیح اینکه آن کس که برای خود اسم، مشخص کند یعنی علامت و نشانه برای ذات خود قرار دهد که بدان شناخته شود دارای ذاتی است که آن ذات غیر از علامت اوست و علامت عارض آن شده است، در این صورت آن شیء، موصوف به صفتی عارضی است و هر شیئی که چیزی عارضش شود آن شیء مرکب از چیزی بالقوه و چیزی بالفعل است، یعنی یک جنبه وجدان و یک جنبه فقدان دارد و لذا هر مرکبی مصنوع و مخلوق است؛ بنابراین ذات مقدس حق تعالی که فعلیت محض و بسیط و بی‌نهایت است، به هیچ حد نامیده شده‌ای توصیف نشود یعنی ذات او غیر از هر اسم و صفت است (ملاصدرا، ۱۳۷۰، ص ۲۵۵-۲۵۶).

مولی حضرت امام رضا صلوات الله و سلامه علیه در پاسخ کسی که از علت نامحدود بودن حق تعالی سوال نمود فرمود: (لأنَّ كلَّ محدود متناه إلى حدِّ و إذا احتمل التَّحديد احتمل الزَّيادة و إذا احتمل الزَّيادة احتمل النِّقصان فهو غير محدود و لا متزايد و لا متناقص و لا متجزَّ و لا متوهم) (بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۵). در این حدیث شریف امام علیه السلام دلیل عقلانی برای نامحدود بودن ذات مقدس حق تعالی می‌آورند و آن این است که (هر محدود، به حدی متناهی است یعنی هنگامی که محدود بودن شیئی فرض شود زیاد شدن به آن شیء مطرح است و هنگامی که زیاد شدن به شیء در نظر گرفته شود، کاستی و نقصان شیء محدود مطرح می‌شود) (همچنین معلوم است که کمالات ذات مقدس حق تعالی، اضافه و کم نمی‌شود و در ذات مقدس او، هیچ‌گونه تجزیه و ترکیبی راه ندارد) بنابراین ذات مقدس حق تعالی، بی‌نهایت و نامحدود است. از این روست که مولی حضرت امام علی بن الحسین زین العابدین صلوات الله و سلامه علیه فرمودند: (إنَّ الله لا یوصف بمحدودیة، عظم ربُّنا عن الصِّفة. فكیف یوصف بمحدودیة من لا یحدِّ و لا تدرکه الأبصار و هو یدرک الأبصار و هو اللطیف الخبیر) (کافی، ج ۱، ص ۱۰۰) (یعنی حق تعالی به هیچ محدودیتی توصیف نمی‌شود، پروردگار ما از توصیف برتر است، پس آنکس که حدی ندارد و دیدگان دریافت او نمی‌کنند و او دیدگانرا دریافت می‌کند و او لطیف و خبیر است چگونه بمحدودیت توصیف می‌شود؟) یعنی حق تعالی نامحدود و بی‌نهایت است فلذا صفات او نیز نامحدود و بی‌نهایت است و صفات او منزله از هرگونه نقص و عیب و جنبه‌های امکانی است.

از مولی حضرت امام صادق صلوات الله و سلامه علیه مروی است: (من عبدالله بالتوهم فقد كفر، و من عبدالإسم دون المعنی فقد كفر و من عبدالإسم و المعنی فقد أشرك و من عبدالمعنی بايقاع الاسماء علیه بصفاته التي وصف بها نفسه فعقد علیه قلبه و نطق به لسانه فی سرائره و علاقته، أولئك هم المؤمنون حقاً) (کافی، ج ۱، ص ۸۷). و در ادامه این مضامین فرمودند: (إنَّ الله تسعة و تسعين اسما، فلو كان الاسم هو المسمی، لكان كلَّ إسم منها إلهاً ولكنَّ الله معنی یدلُّ علیه بهذه الأسماء و كلها غیره) (کافی، ج ۱، ص ۸۷ و ۱۱۴).

امام علیه السلام در این حدیث می‌فرماید: اگر تنها اسم را پرستیدند بدون توجه به معنایی که آن اسم بر آن دلالت می‌کند یعنی بدون لحاظ ذات احدیت کافرند و چیزی را پرستیده‌اند و اگر اسم را فقط با معنای آن اسم و نه به آن معنایی که آن اسم بر آن دلالت می‌کند یعنی بدون لحاظ ذات احدیت پرستش کنند کافر و مشرک‌اند و اگر اسم را از آن لحاظ که با معنایش دلالت بر ذات احدیت می‌کند پرستش کنند موحدانند. به عبارت دیگر، حق تعالی، نود و نه اسم دارد، اگر مفهوم هر اسمی عین ذات الوهیت و دارای مصداق مستقل و تشخص جداگانه برای خود بود مستلزم تعدد إله و معبود بود. بنابراین همه اسماء و صفات به لحاظ مفهومی خاص خودشان، غیر از ذات مقدس الوهیت‌اند. لکن همه ی اسماء و صفات کمالی به لحاظ مرتبه حقیقی و وجودیشان با ذات مقدس حق تعالی وحدت وجودی و مصداقی دارند و منطوقی در ذات احدیت و عین ذات متعالی اویند.

۱-۳-۱- اتحاد وجودی و مصداقی و اختلاف مفهومی صفات حق تبارک و تعالی:

همه اسماء و صفات الهی به لحاظ وجودی، متحد و منطوقی در ذات احدیت‌اند و چون اسماء الهی متحد با ذات احدیت‌اند، با یکدیگر متحدند و لذا هر اسمی از اسماء الهی، واجد کمالات همه اسماء است، یعنی در باطن هر اسمی از اسماء الهی، کمالات همه اسماء مخفی و مستور است و اختلاف اسماء به حسب ظهور و بطون است. به عبارت دیگر، وجود حق تعالی، به نفس ذات و حقیقت وجودیه خویش، واجد جمیع صفات کمالیه است بدون آنکه کثرت و انفعال و قبول و فعلی در ذات او لازم آید لذا مثلاً عالم است به جهتی که قادر است و بالعکس و تمایز اسماء و صفات در او به گونه‌ای نیست که هر کدام از اسماء و صفات دارای تشخص وجودی جدا از ذات باشند بلکه ذات حق تعالی و صفاتش به شخصیت واحده موجودند. به بیان دیگر، همه صفات کمالی حق تعالی به یک وجود که همان وجود ذات احدیت است موجودند و ذات او تمایز وجودی از صفات ندارد، و همچنین هر یک از صفات تمایز وجودی از یکدیگر ندارند، بلکه تمامی صفات در عین اینکه از نظر مفهوم مختلف‌اند، وحدت مصداقی و وجودی دارند (ملاصدرا، ۱۹۹۰ م، ج ۶، ص ۱۴۵). لذاست که مولی امیرالمؤمنین علی صلوات الله و سلامه علیه فرمود: (لایشغله شأن عن شأن) (نهج البلاغه خطبه، ۱۷۸) و فرمود (لایشغله غضب عن رحمة و لاتولهه رحمة عن عقاب و لایجنه البطون عن الظهور و لایقطع الظهور عن البطون، قرب فنای، و علا فدنا و ظهر فبطن، و بطن فعلن، و دان و لم یدن) (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۵). خشم گرفتن او مانع رحمت نمی‌باشد و رحمتش او را از عذاب غافل نمی‌سازد، پنهان بودنش، مانع آشکار بودنش نیست و آشکار شدنش او را از پنهان ماندن باز نمی‌دارد. نزدیک و دور است، بلندمرتبه و نزدیک است، آشکار پنهان و پنهان آشکار است. و مولی امام

باقر العلوم صلوات الله و سلامه عليه فرمود: (آنه سمیع بصیر یسمع بما یبصر و یبصر بما یسمع) (کافی، ج ۱، ص ۱۰۸).

لازم به ذکر است که طبق مبانی حکمت متعالیه، ارجاع کلیه اسماء و صفات به حقیقت وجود صرف با اثبات اوصاف مختلفه متکثره برای ذات مقدس حق تعالی، منافات ندارد، بلکه مؤید آن است زیرا ذات مقدس حق تعالی، صرف وجود و فعلیت محض و در غایت بساطت و وحدت است و در او کثرت و ترکیب، به هیچ وجهی راه ندارد، و مفهوم وجود و وحدت گرچه مغایرند ولی در خارج حقیقت وجود و وحدت با یکدیگر مساوق اند و وحدت از کمالات موجود بما هو موجود است زیرا به وضوح رسیده که وجود هرچه از افق تعینات و کثرت دورتر و در وحدت و بساطت، أقوى و اتمّ باشد، صدق مفاهیم کمال و احاطه او بر اسماء و صفات کمالیه بیشتر است و به عکس هرچه به کثرت نزدیک شود، صدق مفاهیم کمال و اسماء و صفات بر او کمتر و نقص در او بیشتر و کیفیت صدق مفاهیم کمال بر او، ضعیف می شود (ملاصدرا، ۱۹۹۰ م، ج ۶، ص ۱۴۸).

از دیدگاه ابن سینا، صفات حق تعالی، نه تنها اتحاد مصداقی دارند بلکه اتحاد مفهومی هم دارند. عین عبارت ابن سینا در این زمینه در کتاب مبدء و معاد و الهیات شفا چنین است: «فبان أن المفهوم من الحياة و العلم و القدرة و الوجود و الارادة المقولات علی واجب الوجود مفهوم واحد و لیست لصفات ذاته و لاجزاء ذاته» «تمامی صفات مثل حیات، علم، قدرت، جود و اراده مغایرت مفهومی ندارند و همه مفهوم واحدند و در ساحت ربوبی که احدی الذات است، تجزا و تغایری نیست» (ابن سینا، ۱۳۶۳، ص ۲۴۹ و ابن سینا، ۱۳۶۳، ص ۲۱).

از دیدگاه ابن سینا، مفاهیم صفات در عین تعدد حاکی از یک حقیقت و ناظر بر یک حقیقت اند و در ذات ربوبی، علم همان قدرت و قدرت همان علم است و این مفاهیم چنانچه به طور مطلق و با قطع نظر از مصداقی که بر او حمل می شوند لحاظ شوند، هر یک معنایی بیگانه و مغایر از یکدیگر دارند، لیکن چنانچه این الفاظ بر ذات حق تعالی اطلاق شوند مفهوم همه آنها یکی است و گویا از نظر ابن سینا عینیت صفات با ذات و عدم تغایر مفهومی آنها با یکدیگر براساس مبانی حکمت او مثل بساطت ذات احدیت و نفی هرگونه کثرت از ذات متعالیه حق تعالی، امری پذیرفته شده و مفروغ عنه بوده است (ذبیحی، ۱۳۸۶، ص ۳۹۸).

از دیدگاه ملاصدرا، اسماء و صفات، اختلاف مفهومی و اتحاد مصداقی دارند. ملاصدرا به ابن سینا که قائل است، اسماء و صفات علاوه بر اتحاد مصداقی، اتحاد مفهومی هم دارند این اشکال را می کند که اگر الفاظ علم، قدرت، اراده، حیات و غیر اینها از مفاهیم دیگر، با هم مترادف باشند، مثلاً آنچه از علم فهمیده می شود، عین همان چیزی باشد که از قدرت مفهوم می شود، باید اطلاق یکی از صفات بر خداوند ما را از اطلاق سایر صفات بر او

بی نیاز کند (ملاصدرا، ۱۹۹۰ م، ج ۶، ص ۱۴۵). اما به نظر می‌رسد که این اشکال ملاصدرا به ابن سینا وارد نباشد زیرا بدون تردید، کسی نمی‌تواند ادعا کند که ابن سینا، به بدیهی ترین امر یعنی تغایر مفهومی الفاظ غیر مشترک با یکدیگر توجه نداشته است بلکه از دیدگاه ابن سینا، مفاهیم چنانچه به طور مطلق و با قطع نظر از مصداقی که بر او حمل می‌شوند لحاظ شوند، هر یک معنایی بیگانه و مغایر از یکدیگر دارند، لیکن چنانچه این الفاظ بر ذات حق تعالی اطلاق شوند مفهوم همه آنها یکی است. لکن این اشکال به ابن سینا وارد است که مفاهیم اسماء و صفات هر چند دلالت بر حقیقت وجودی اسماء می‌کنند و حاکی از ذات احدیت اند، لیکن از آن جهت که، ظرف تحقق این مفاهیم انتزاعی، ذهن است هر یک عقلاً مغایر با دیگری و غیر از ذات مقدس حق تعالی می‌باشند، بنابراین نظریه صحیح همان نظریه صدرا مبنی بر اتحاد مصداقی و اختلاف مفهومی صفات است.

۱-۱-۴- نظریه اثبات بالتشبیه در مورد صفات حق تبارک و تعالی:

گروهی از متکلمین قائل به تشبیه مطلق درباره‌ی صفات خداوند متعال شدند که به آنان مشبیه، مجسمه و مصوره می‌گویند. ایشان با قائل شدن جسم و صورت، برای حق تعالی مشرک و ملحدند زیرا ذات مقدس حق تعالی، بسیط و نامحدود است لذا از داشتن حد (جنس و فصل)، میرا و برتر است و همچنین در فلسفه اسلامی، گفته می‌شود: ماده همان (جنس بشرط لا) و صورت (فصل بشرط لا) می‌باشد بنابراین حق تعالی مجرد و منزّه از داشتن ماده و صورت است لذاست که مولی امام صادق صلوات الله و سلامه علیه فرمودند: (إنَّ الله لا يشبه شيء أی فحش أو خنی أعظم من قول من یصف خالق الأشياء بجسم أو بصورة أو بخلقه أو بتحدید و أعضاء. تعالی الله عن ذلك علواً کبیراً) (کافی، ج ۱، ص ۱۰۴) یعنی چیزی همانند خداوند متعال نیست و چه دشنام و یا ناسزایی بزرگتر از گفتار کسی است که آفریننده اشیاء را بجسم و یا به صورت و یا آفریده هایش و یا بحد و اعضا توصیف کند، حق تعالی بسیار والاتر و منزّه از چنین اموری است. و مولی حضرت امام رضا صلوات الله و سلامه علیه فرمود: (عرف بغير رؤية، وصف بغير صورة و نعت بغير جسم، لا إله إلا الله الكبير المتعال) (کافی، ج ۱، ص ۱۰۴) و در جای دیگر فرمود: (سبحان من ليس كمثل شيء لاجسم و لاصورة) (کافی، ج ۱، ص ۱۰۴). و مولی امام صادق صلوات الله و سلامه علیه فرمود: (أنَّ المذهب الصَّحیح فی التَّوْحید ما نزل به القرآن من صفات الله جلَّ و عزَّ فانف عن الله عمَّا یصفه الواصفون المشبِّهون الله بخلقه المفترِّون علی الله، و لاتعدوا القرآن فتضلُّوا بعد البیان) (کافی، ج ۱، ص ۹۹).